

بررسی ادعاهای توخالی یک حضور نحس؛

تیک تاک پایان اسرائیل با حضور در خلیج فارس

ادعای حضور اسرائیل در ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا برای تامین امنیت کشتیرانی در خلیج فارس می تواند هزینه‌های سنگین و پیش‌بینی‌ناپذیری برای امنیت ملی و حتی بقای این رژیم در پی داشته باشد.

به گزارش گروه بین‌الملل ایسکانیوز، ایالات متحده درصدد بود با گرت‌برداری از مدل ائتلاف سازی علیه عراق در سال های ۱۹۹۱ و بعدها ۲۰۰۳ این بار نیز شالوده یک ائتلاف جدید برای امنیت کشتیرانی در خلیج فارس را پی ریزی کند. با این حال تدابیر واشنگتن تاکنون راه به جایی نبرده اند و کشورهای جهان و به ویژه آنهایی که دارای ناوگان دریایی قابل توجهی هستند یکی پس از دیگری از حضور در آن امتناع می کنند.

در این بازار کساد و بی رونق، اما اسرائیلی ها که هیچ گونه ناوگان دریایی ندارند از حضور خود در ائتلاف به رهبری آمریکا خبر می دهند گویی می خواهند از این آب گل آلود برای خود ماهی صید کنند. در مقابل جمهوری اسلامی نیز بلافاصله به این مساله واکنش شدیدی نشان داد و آن را عبور از خطوط قرمز امنیت ملی ایران قلمداد کرد.

با این اوصاف خواهیم پرسید آیا اسرائیل می تواند در ائتلافی شرکت کند که هزینه های غیرقابل تحمل و جبران ناپذیری برای آن در پی داشته باشد یا اینکه در ورای این مساله اهداف و دلایل دیگری وجود دارند؟

ضعیف؛ اما پر مدعی

اسرائیلی‌ها پیشتر و به واسطه تحمیل چندین شکست به ارتش های کلاسیک عربی، اسطوره ای از شکست‌ناپذیری برای خود تداعی کرده بودند که به طور مکرر و در جهت تحقیر و تضعیف دشمنانش آن را بازگو می کرد؛ اما از دهه هشتاد میلادی با تغییر الگوی تقابل با اسرائیل توسط جبهه مقاومت، پوشالی بودن این اسطوره نمایان شد و به تدریج موضع تل آویو از قدرت به ضعف تغییر جهت داد.

این متغییر وقتی در کنار تحولات یک دهه گذشته خاورمیانه یعنی تقویت ایران و به طور کلی جبهه مقاومت و در عین حال تضعیف روزافزون محور آمریکا قرار می گیرد، بیش از پیش جایگاه اسرائیل در موازنه قوای خاورمیانه را کاهش می دهد.

اکنون حزب الله لبنان و گروه های جهادی فلسطین ضمن افزایش توان رزمی و میدانی خود، قابلیت های نظامی از جمله توانمندی موشکی و پهپادیشان را نیز ارتقا بخشیده اند. ترجمان این واقعیت یعنی اسرائیل در هر نبرد احتمالی، باید به طور همزمان در دو جبهه بجنگد که این نیز بنابر اقرار فرماندهان اسرائیلی از توان این رژیم خارج است.

حتی احتمال تبدیل شدن دو جبهه به سه جبهه و آن نیز مشارکت نیروی صهیونیست ستیز انصارالله با توان موشکی فوق العاده نیز دور از

انتظار نخواهد بود. بنابراین اسرائیلی که فاقد عمق استراتژیک و ژئوپولیتیک شکننده‌ای است در هر نبردی کلیت امنیت ملی و حتی موجودیت آن در خطر خواهد افتاد.

باتوجه به واقعیت‌های منطقه، کفه ترازو آنچنان به ضرر اسرائیل تغییر کرده که این کشور تنها می‌تواند به ایمن‌سازی مرزهایش فکر کند و فرصت بازی در میدان بزرگان و به ویژه نقش آفرینی در خلیج فارس را نخواهد داشت.

لفاظی با اهداف استراتژیک

با این حال چرا اسرائیل کاتز، وزیر خارجه اسرائیل از حضور در خلیج فارس خبر می‌دهد؟ به نظر می‌رسد چهار دلیل عمده پشت پرده این موضع‌گیری قرار دارد.

اولاً طرح این موضوع می‌تواند بخشی از روند عادی سازی و حساسیت زدایی از اسرائیل در جهان عرب و افکار عمومی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس باشد. به ویژه آنکه اکنون آمریکایی‌ها در چارچوب پروژه معامله قرن می‌خواهند کشورهای عرب را به برقراری روابط عادی با اسرائیل تشویق کنند.

دوماً اسرائیل و آمریکا می‌دانند حضور اسرائیل در خلیج فارس برای جمهوری اسلامی ایران خط قرمز است و آن را به هیچ عنوان قبول نخواهد کرد؛ اما با پیش کشیدن آن درصدد تحریک کردن تهران هستند.

ایران پس از خروج آمریکا از برجام، برنده بازی استراتژیک خلیج فارس بوده و با هوشمندی یکی پس از دیگری کاخ سفید را در صحنه شطرنج منطقه کیش کرده است.

سوماً اینکه آمریکا و اسرائیل می‌خواهد به راستی آزمایی و محک قدرت بازدارندگی ایران بپردازند، به عبارت بهتر از این رهگذر اعتبار تهدیدات ایران را مورد سنجش قرار می‌دهند.

اگرچه ایران در ساقط سازی پهپاد جاسوسی آمریکا، توقیف کشتی متخلف انگلیس اعتبار تهدیدات خود را در عرصه عمل ثابت کرده است؛ اما با وجود این واشنگتن همچنان می‌خواهد آستانه تحمل ایران را مورد آزمایش قرار دهد.

چهارماً حضور نظامی و امنیتی ایران در سوریه به یک هراس بنیادین برای اسرائیل تبدیل شده که بدون شک هزینه‌های جبران ناپذیری برای تل‌آویو در پی خواهد داشت. بنابراین اسرائیل می‌خواهد با ادعای حضور در خلیج فارس، ایران را از تثبیت حضور در سوریه منصرف سازد؛ اما این توهم چند متغییر عمده را نادیده گرفته است.

ایران با دعوت دولت و مردم سوریه و برای مقابله با تروریسم به این کشور رفته است و همچون اسرائیل مهمانی ناخوانده نیست. همچنین واقعیت‌های قدرت این امکان را به ایران می‌دهد در محیط پیرامونی اش نقش آفرینی کند حال آنکه اسرائیل چنین قابلیت‌هایی ندارد.

تل آویو می خواهد با یک تهدید فاقد اعتبار از ایران امتیازی معتبر و استراتژیک بگیرد در حالی که دستش از همان ابتدا رو شده است.

مقابله با اسرائیل در خلیج فارس حتمی است

برای واکاوی دقیق و جامع تر این مساله با یک کارشناس مسائل خاورمیانه به گفت و گو پرداختیم. در ابتدا به لحاظ قانونی و براساس حقوق حاکم بر آبراهای بین المللی کشورهایی که در هر آبراهی ساحل دارند حق مدیریت، دخل و تصرف و تنظیم خطوط قرمز این مناطق را دارند، بررسی میکنیم؛ بنابراین نه تنها حضور اسرائیل بلکه حضور آمریکا، فرانسه، انگلیس ... در خلیج فارس غیر قانونی است. این بخشی از سخنان سید هادی سید افقهی بود.

سید افقهی معتقد است اگر اسرائیل آنچنان که ادعا کرده است با پرچم خود در این ائتلاف که هنوز معلوم نیست تشکیل می شود یا خیر، حضور داشته باشد این به معنی اعلام جنگ با ایران است و بدون شک کشورمان در قالب حق دفاع مشروع نیروهای اسرائیل را مورد هدف قرار می دهد این مساله توسط مقامات کشورمان نیز به طور رسمی اعلام شده است.

سید افقهی براین باور است اسرائیل جرات رویارویی مستقیم با ایران را ندارد؛ بنابراین این لفاظی بیشتر براساس اصول جنگ های پسامدرن قابل تحلیل است که در آن تاکید ویژه ای بر تبلیغات، فشار روانی و جنگ های نرم می شود.

سخن آخر

اسرائیل اشتیاق بسیاری برای حضور در خلیج فارس دارد. این مساله فرضا می تواند نقش مهمی در پایان و یا کاهش انزوای استراتژیکی این رژیم بازی کند و دایره نفوذش را از دریای مدیترانه و بعضا خلیج عدن به قلب خاورمیانه گسترش دهد.

با این حال این رویای شیرین می تواند بهای بسیاری گزافی به اسرائیل تحمیل کند و حتی با عبور تهدیدات از مرزهایش، امنیت ملی و حتی بقایش را در معرض مخاطره ای چندبعدی و مختلف قرار دهد.

همچنین اسرائیلی ها شاید بیشتر از تمام رقبا و دشمنان جمهوری اسلامی ایران، از این امر مطمئن هستند که انطباق کاملی در میان سخنان و عمل دولتمردان تهران وجود دارد.

به بیان دیگر جمهوری اسلامی ایران زمانی که تهدیدی را مطرح می کند در زمان و مکان مناسب استراتژی خود را عملیاتی خواهد کرد. در روزهایی گذشته نیز مقامات سیاسی و نظامی کشورمان برای آمریکا و اسرائیل، تصویر روشنی از هزینه های این مساله ترسیم کرده اند. بنابراین اسرائیل یا باید به لفاظی و بلوف حضور در این آبراه کفایت کند یا اینکه بقا و موجودیتش را قربانی کند.